


An Analysis of Criminal Judges' Performance and Its Impact on the Growth of Prison Population

Mahmood Nozari¹  | Cyrus Zarghami²  | Ali Reza Sayebani³ 

1. PHD Student of Criminal Law and Criminology, Criminal and Criminology Department, Bandar Abbas branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. nozari6478@gmail.com
2. Assistant Professor, Criminal and Criminology Department, Bandar Abbas branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran, (Corresponding Author). cyrus.zarghami@gmail.com
3. Assistant Professor, Criminal and Criminology Department, Bandar Abbas branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. saybani.a@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article type: Scientific</p> <hr/> <p>Received: 2025/02/26</p> <p>Received in revised form: 2025/06/18</p> <p>Accepted: 2025/09/17</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Criminal population, Imprisonment, Judicial factors, Prison environment, Punishment.</i></p>	<p>The increase in the number of prisoners in various societies has become a structural, legal and social crisis. This crisis has caused criminal and cultural decision-makers to seek solutions to reduce this problem. Legal systems have also realized that problems such as the acceptance of prison culture by prisoners, the negative effects of criminal experiences in prisons, the transmission of more criminal ideas among the prison population, the stability of the crime rate in society and the return of many prisoners to prison after release indicate the inefficiency of criminal, legal, social and judicial structures in managing crime and disorders. The increase in the criminal population is due to several causes and factors, including judicial factors, which this article examines the role and impact of the performance of criminal judges on the increase in the criminal population of prisons and attempts to identify the judicial factors affecting this increase. In this study, a hybrid research method including a descriptive-analytical method at the theoretical level and a field method (qualitative interview with a statistical population of 15 judges in Bandar Abbas) was used to validate the theoretical findings of the study. The results of the analysis of the data obtained from the interviews show that factors such as traditional thinking and the approach of the laws and legislators, the prevailing belief of judges in the criminal justice discourse that advocates the comprehensive implementation of imprisonment, the alignment of courts with the policy of extreme imprisonment in laws and regulations, the courts' acceptance of the punitive-security-oriented thinking of the legislator, judges' inadequate and insufficient recognition of the harms of staying in a prison environment, judges' distrust of non-punitive programs of correction and treatment, and the populist imprisonment policy are among the important judicial factors affecting the increase in the criminal population of Bandar Abbas prison.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Nozari, Mahmood, Zarghami, Cyrus, Sayebani, Ali Reza. (2025). An Analysis of Criminal Judges' Performance and Its Impact on the Growth of Prison Population. <i>Journal of Judgment</i>, 123(3), 24-42. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2054462.1378</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22034/judg.2025.2054462.1378</p>
	<p>©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.</p>
<p>Publisher</p>	<p>Publications of the Judiciary of Tehran Province</p>

بررسی عملکرد قضات کیفری و تأثیر آن در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها

محمود نوذری^۱ | سیروس ضرغامی^۲ | علیرضا سایبانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. رایانامه: nozari6478@gmail.com

۲. استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه: cyrus.zarghami@gmail.com

۳. استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. رایانامه: saybani.a@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	افزایش شمار زندانیان در جوامع گوناگون به بحرانی ساختاری، حقوقی و اجتماعی تبدیل شده است. این بحران باعث شده است تا تصمیم‌گیران جنایی و فرهنگی به دنبال راه‌حلی برای کاهش این مشکل باشند. سیستم‌های حقوقی نیز متوجه شده‌اند که مشکلاتی مانند پذیرش فرهنگ زندان از سوی زندانیان، تأثیرات منفی تجربیات جنایی در زندان‌ها، انتقال اندیشه‌های مجرمانه بیشتر در میان زندانیان، ثبات نرخ جرم در جامعه و بازگشت مجدد بسیاری از زندانیان به زندان پس از آزادی، نشان‌دهنده ناکارآمدی ساختارهای کیفری، حقوقی، اجتماعی و قضایی در مدیریت جرم و ناهنجاری‌ها هستند. از دیدگاه جمعیت کیفری معلول علل و عوامل متعددی از جمله عوامل قضایی است، که در این مقاله نقش و تأثیر عملکرد قضات کیفری در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها بررسی و تلاش شده است تا عوامل قضایی مؤثر بر این افزایش شناسایی شود. در این مطالعه از روش تحقیق ترکیبی مشتتمل بر روش توصیفی - تحلیلی در سطح نظری و نیز روش میدانی (از نوع مصاحبه کیفی با جامعه آماری ۱۵ نفره از قضات بندرعباس) برای اعتبارسنجی یافته‌های نظری تحقیق استفاده شده است. بر اساس تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، عوامل متعددی در افزایش جمعیت کیفری زندان بندرعباس نقش داشته‌اند، از جمله تفکرات سنتی و رویکرد قوانین و قانون‌گذار، غلبه گفتمان عدالت کیفری حبس‌گرا در میان قضات، همسو شدن محاکم با سیاست‌های افراطی حبس‌گزینی در قوانین و مقررات، استقبال محاکم از تفکر کیفرگرا و امنیت‌محور قانون‌گذار، آگاهی ناکافی قضات از آسیب‌های اقامت در زندان، بی‌اعتمادی قضات به برنامه‌های غیرکیفری اصلاح و درمان و سیاست حبس‌محوری ناشی از گرایش‌های عوام‌گرایانه.
کلیدواژه: جمعیت کیفری، حبس، عوامل قضایی، فضای زندان، مجازات.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶	
استناد	نوذری، محمود، ضرغامی، سیروس، سایبانی، علیرضا. (۱۴۰۴). بررسی عملکرد قضات کیفری و تأثیر آن در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها؛ فصلنامه قضاوت، ۲۴(۳)، ۲۴-۴۲. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2054462.1378
DOI	10.22034/judg.2025.2054462.1378
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

در دوره معاصر با افزایش پدیده مجرمانه توأم با ظهور اشکال نوین و متنوع بزه و بزهکاری، ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در پیشگیری صرفاً از طریق مجازات شدید و سخت‌گیرانه و خصوصاً اعزام گسترده محکومان به زندان بیش از پیش آشکار شده است. این روند که با پیامدها و مشکلات اجتماعی، حقوقی و فرهنگی متعددی همراه بوده، زمینه‌ای را فراهم کرده است تا کارایی نظام مجازات دوباره ارزیابی شود و حتی برخی دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه کیفری، به‌طور کلی بازنگری شوند (Morphy, 2019).

در سال‌های اخیر موضوع حبس زدایی، کاهش جمعیت کیفری و افزایش اعمال مجازات جایگزین حبس که در بسیاری از کشورها مطرح است، مورد توجه جدی قانون‌گذار کیفری ایران هم قرار گرفته است. قضات نیز با استناد به مقررات قانون مجازات اسلامی، هر چند به‌طور محدود و پراکنده، از این مجازات برای واکنش به رفتار مجرمانه بزهکارانی که به علل مختلف دست به ارتکاب جرم می‌زنند، ولی سابقه کیفری ندارند، استفاده می‌کنند.

با این حال، مسئله اساسی این مقاله بررسی و شناسایی عواملی است که عملکرد و کنشگری محاکم و مقامات قضایی را تحت تأثیر وضع موجود، در چهارچوب نظام دادگستری جمهوری اسلامی ایران، شکل می‌دهد؛ عواملی که باعث افزایش و تشدید جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شوند. تمرکز اصلی این مقاله بر نقش و عملکرد محاکم در مرحله کیفرگزینی یا حبس‌گزینی و همچنین بررسی اقدامات احتمالی آن‌ها در مسیر تحقق آرمان‌هایی چون حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها است. استفاده از مجازات حبس میان‌مدت و بلندمدت برای مرتکبان جرائم، از جمله زن و مرد، خردسال و بزرگسال، با سابقه و بدون سابقه، روشی سنتی است که بر ارباب جمعی و سرکوب جسمانی و روانی مجرمان تأکید دارد. این روش‌ها از اندیشه‌های مکتب کلاسیک نشئت می‌گیرند (کونانی و همکاران، الف ۱۳۹۹: ۲۵۵). کیفر حبس همچنان مدافعانی سرسخت دارد و هم‌زمان بسیاری از کیفرشناسان و حقوق‌دانان به شدت آن را نقد و بررسی می‌کنند (شاطری دستجردی، ۱۴۰۰: ۲۵).

با توجه به ناکارآمدی کیفر حبس (به‌ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت)، پیش‌بینی سیاست‌ها یا تدابیر جایگزین حبس، برنامه‌های حبس‌زدایانه و اجرای تدابیر هدفمند برای کاهش گرایش محاکم به تعیین حبس، ضروری و مفید به نظر می‌رسد. طبق بررسی‌های کیفرشناسی و جرم‌شناسی، اصلاحات در نظام زندان‌ها در دو سده گذشته، تحت تأثیر نهضت اصلاح رژیم زندان‌ها و سیاست درمان، بازتوانی و بازپروری مددجویان، نتایج مثبت و مؤثری بر بازاجتماعی کردن محکومان و جلوگیری از ارتکاب بزه نداشته است (Rozenberg, 2020: 319).

بنابراین در این مقاله، ضمن بررسی و آسیب‌شناسی وضعیت جایگزین‌های حبس و سایر نهادهای ارفاقی از نظر میزان استفاده یا عدم استفاده محاکم کیفری، تلاش شده است از طریق مصاحبه با شعب دادگاه‌های جزایی، عوامل قضایی مؤثر در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها شناسایی شوند. همچنین، مواردی از جمله تأثیر عملکرد محاکم دادگستری در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، فشارهای اجتماعی و سیاسی بر تصمیم‌گیری قضاات، برنامه‌های اصلاح و درمان غیر کیفری و عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری قضاات برای صدور حکم حبس بر کاهش جمعیت کیفری بررسی می‌شوند.

در این مقاله با استفاده از روش تحقیق ترکیبی، شامل الگوهای توصیفی - تحلیلی و مصاحبه‌های کیفی، تأثیر رویکرد قضاات کیفری در بندرعباس، در افزایش جمعیت زندان‌ها بررسی می‌شود. بر همین اساس، با انتخاب یک جامعه‌ی آماری از میان قضاات شهر بندرعباس، با مشخصات مشارکت‌کنندگان یک تا پانزده به شرح جدول مندرج در پیوست، به‌طور دقیق‌تری تحلیل می‌شود. از این‌رو، در بخش اول انفعال قضاات کیفری در تحلیل هنجارهای اجتماعی، در بخش دوم کم‌توجهی به مخاطرات ناشی از زندگی در حبس، در بخش سوم برداشت شتاب‌زده و غیر علمی محاکم از نقش مجازات حبس در امر صیانت از نظم و امنیت جامعه، در بخش چهارم کم‌توجهی به سایر اهداف مجازات و بی‌اعتمادی قضاات نسبت به برنامه‌های غیر کیفری اصلاح و درمان و در بخش پنجم ابتلای قضاات کیفری به منطق حبس‌گزینی عوام‌گرا بررسی می‌شود و در بخش پایانی نتیجه تحقیق بحث و مطالعه می‌شود.

۱. بررسی انفعال قضاات کیفری در تحلیل هنجارهای اجتماعی

واقعیت این است که اصولاً و غالباً، حقایق کیفری تاریخی در جامعه و نیز رویکرد و رویه قوانین و قانون‌گذار تأثیر بسیاری در تصمیمات قضاات دارند. به همین دلیل وقتی در سطح کلان دلایل قضایی افزایش جمعیت کیفری را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که بیشتر مواقع، قضاات تحت تأثیر همین رویکردهای قانونی عملاً به کنشگری فعال در گزینش کیفر حبس برای جرائم خرد و کلان بدل شده‌اند. بنابراین، در چند بخش مفصلاً عواملی بررسی و تحلیل می‌شوند که با وجود ماهیت قضایی‌شان، مستقیماً با پدیده افزایش جمعیت کیفری مرتبط‌اند، اما ریشه در مشکلات گسترده‌تری از جمله مشکلات اجتماعی، اقتصادی و قضایی در ساختار نظام دادگستری دارند.

۱-۱. لزوم بررسی تناسب مجازات حبس با عدالت: کمیته‌گرایی در احکام کیفری

باید اعتراف و اذعان کنیم که یکی از دلایل گرایش حداکثری و افراطی قضاات در خصوص مجازات حبس در شرایطی که همگان به معایب و آسیب‌های فراوان این کیفر اشراف دارند، مسئله

تبعیت و تأثیرپذیری قضات از فرهنگ‌های قدیمی و سنتی رایج در نظام عدالت کیفری در سراسر جهان است. در نتیجه اغلب قضات هنوز بر این باورند که حبس می‌تواند بهترین واکنش در برابر جرائم مختلف باشد. بنابراین، در بررسی دلایل افزایش جمعیت کیفری باید به منزله واقعی تلخ پذیرفت که در بسیاری از جوامع، مانند نظام حقوقی ایران، جریان سنتی عدالت کیفری همچنان جایگاه غالب دارد و هنوز کیفرگرایی به‌طور کلی ابزار حقوقی مسلط قانون‌گذار و طبعاً محاکم در مواجهه با جرائم و مجرمان مختلف به کار گرفته می‌شود. شیوع فراگیر این پدیده به تدریج موجب شکل‌گیری نوعی باور و اعتقاد در میان قضات شده است که در نتیجه آن تصور می‌کنند، ساده‌ترین راه مقابله با جرم به زندان فرستادن مجرمان است. بنابراین، در سطح تحلیل نظری، هرگز نمی‌توان از نحوه تلقی قضات از گفتمان غالب و تاریخی نظام عدالت کیفری که همواره حبس‌مدار و سزاده بوده است، چشم‌پوشی کرد. این معضل عاملی تاریخی و بنیادین است و باید برای تعدیل آن طرح و برنامه داشت، وگرنه همچنان سیاست کیفری حبس‌گرا و مجازات‌محور، ابزار کیفری غالب در جامعه و نظام حقوقی معاصر خواهد بود.

به نظر می‌رسد، بسیاری از قضات فراتر از تکالیف قانونی در گرایش به مجازات حبس، برای خود الزام و تعهد قائل‌اند؛ به‌گونه‌ای که اگر در بسیاری مواقع از اختیارات قضایی خود استفاده نکنند و طیف خاصی از مجرمان را به مجازات حبس محکوم نکنند، مرتکب رفتاری خلاف عرفیات مسلم قضایی و حقوقی در جامعه شده‌اند. این هژمونی اثرپذیری از سنت‌های حقوقی و قضایی نقشی تعیین‌کننده در تقویت شکل‌گیری نگرش‌های حبس‌مدارانه در میان قضات داشته و طبعاً به افزایش نرخ کلی جمعیت کیفری در جامعه دامن زده است. از دیرباز تاکنون، بیشتر محاکم در نظام‌های حقوقی گوناگون بر این باور بوده‌اند که با تعیین مجازات حبس قادر خواهند بود بارو حیه قانون‌شکنانه مجرمان مختلف مبارزه کنند و در جامعه نظم و امنیت بیشتری برقرار سازند. شکل‌گیری رویه‌های قضایی حبس‌گاه دقیقاً برخاسته از همین روند تاریخی است که امروزه در نظام حقوقی ایران نیز ریشه دوانیده و باعث شکل‌گیری فرهنگی حبس‌مدارانه در سراسر نظام دادگستری حاکم بر جامعه شده است.

بر همین اساس، در این پژوهش، پس از مصاحبه با قضات و بررسی جامعه آماری، مشخص شد که بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر ناکارآمدی سیستم قضایی موجود برای مقابله با افزایش جمعیت زندانیان تأکید داشته و ضرورت تغییرات و اصلاحات اساسی را مطرح کرده‌اند. به باور آنان که بسیاری از قضات در کشور، به‌ویژه در حوزه قضایی بندرعباس، توجه کافی به مشکلات ناشی از افزایش شمار زندانیان ندارند و در تصمیم‌گیری‌های خود به سیاست‌های جایگزین حبس و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای کاهش تعداد زندانیان کمتر اهمیت می‌دهند.

شرکت‌کنندگان بر این باورند که قوانین موجود در برخی موارد در برقراری نظم و امنیت کارآمد نیستند و این موضوع به بی‌عدالتی منجر می‌شود، زیرا مردم از دستگاه قضایی انتظار دارند که نظم و امنیت را برقرار کند. نظر مشارکت‌کننده «۳» در این زمینه بسیار روشن است. بنابر نظر ایشان، قاضی که به‌دقت پرونده را بررسی کرده و از جزئیات جرم، میزان خطرناکی مجرم، شخصیت او و وضعیت روحی قربانی مطلع است، بهترین تصمیم را برای صدور حکم می‌گیرد. مشارکت‌کننده «۱۲» در این خصوص بیان داشت: «در پرونده‌ای که مربوط به شرکت در نزاع دسته‌جمعی و ایراد ضرب و جرح عمدی بود، برای همه متهمان حکم حبس صادر کردم. ماجرا این بود که چند نفر با چاقو و چماق به یکدیگر حمله کرده و موجب ایجاد ترس و وحشت بسیاری در جامعه شده بودند. برای اینکه هم خودشان به مجازات برسند و هم بقیه عبرت بگیرند، مجازات حبس تعیین کردم. مردم از دستگاه قضایی انتظار دارند عدالت را برقرار و نظم و امنیت را حفظ کند. مسائلی مانند وضعیت زندان‌ها و هزینه‌های دولت ارتباطی به من ندارد. دولت مسئول تأمین هزینه‌ها است و سازمان زندان‌ها مسئول بازپروری». مشارکت‌کننده «۱۴» با ذکر جریان پرونده‌ای در تأیید اظهارات مشارکت‌کننده «۱۲» گفت: «پرونده پزشکی ای نزد من مطرح شد که به دلیل کوتاهی پزشک، انسانی بی‌گناه فوت کرد. هرچند مرتکب پزشک است، اما با این حد از سهل‌انگاری، هیچ راهی جز اعمال شدیدترین مجازات باقی نمی‌ماند». مشارکت‌کننده «۲» در اظهار نظری مشابه بیان داشت: «وقتی یک پرونده به‌صورت معمولی بررسی می‌شود، تصمیم قضایی به‌راحتی گرفته می‌شود. اما اگر رفتار مجرمانه در فضای مجازی پخش شود و مردم توقع واکنش داشته باشند، برای رضایت وجدان عمومی باید برخورد شدید و سرکوبگرانه انجام شود». نظر مشارکت‌کننده «۴» نیز این بود: «برای شخص بزه دیده، مهم‌ترین مسئله این است که احساس کند دستگاه قضایی از او حمایت می‌کند. به همین دلیل، من در بیشتر پرونده‌ها برای آرامش خاطر بزه دیده، حکم حبس صادر می‌کنم تا بخشی از درد و رنج ناشی از رفتار مجرم جبران شود».

برخی مشارکت‌کنندگان بیان کردند که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها اشخاصی با آن‌ها صحبت کرده‌اند. مشارکت‌کننده «۵» در این خصوص اظهار داشت: «پرونده‌ای به من ارجاع شد و رئیس کل دادگستری تماس گرفت و گفت این پرونده مهم است و باید با دقت و سرعت رسیدگی شود. دو موتورسوار از شخصی در خیابان زورگیری کرده بودند و فیلم این حادثه از طریق دوربین مداربسته ضبط و در فضای مجازی و خبرگزاری‌ها پخش شده بود که باعث ناراحتی و خشم عمومی شد. بعد از پخش فیلم، نظر سنجی‌ای انجام شد که در آن همه مردم خواستار برخورد قاطع با این متهمان بودند. حتی اگر رئیس کل دادگستری تماس نمی‌گرفت، من برای این افراد اشد مجازات را در نظر می‌گرفتم». مشارکت‌کننده «۷» نیز با ذکر جریان پرونده‌ای بیان داشت: «در سال ۱۳۹۶، پرونده‌ای داشتم که در آن مردی همراه همسرش در

خیابان قدم می‌زدند که ناگهان شخصی با چاقو جلوی همسرش را گرفت و گفت باید تمام طلاهایتان را بدهید. خانم از ترس جانش طلاهایی را که همراه داشت به متهم داد که سروصورت خود را پوشانده بود. این شخص بعداً در صحنه دیگری دستگیر شد و به این جرم اعتراف کرد. این حادثه به حدی در من تأثیر گذاشت که فقط اشد مجازات و تبعید می‌توانست آرامم کند. بعد به ما می‌گویند ۲۵ درصد آرای که صادر می‌کنید باید جایگزین‌ها باشد، جالب است، مگر مردم امنیت نمی‌خواهند؟».

طبق یافته‌های پژوهش، هر پانزده نفر مورد مطالعه بر این باور بودند که قضات نگرانی خاصی از رویه‌های حبس‌گرا ندارند و بیشتر اوقات این سیاست تنبیهی را به جای استفاده از روش‌های جایگزین حبس ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر، شرکت‌کنندگان باور داشتند که نظر قضات بر قانون‌گذار ارجحیت دارد و اگر قانون را ناعادلانه بدانند، با ابزارهای قضایی خود عدالت مدنظرشان را اجرا می‌کنند.

۱-۲. تأثیر پذیری افراطی از منطق حبس گاه تقنینی اولیه و بها دادن اندک به اصل اختیارات قضایی

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که به نظام حقوقی نوشته و رومی ژرمنی شباهت دارد، قوانین اهمیت بسیار بالایی دارند. این قوانین علاوه بر تعیین عناوین مجرمانه، در شکل دهی رویه‌های قضایی و تفسیر آن‌ها نیز نقش مهمی دارند.

در سطح جهانی و در همه نظام‌های حقوقی، تعداد احکام حبس بیشتر از سایر مجازات است (Stefan, 2009: 84). اکنون، در نظام حقوقی ایران نیز برای بیشتر جرائم بزرگ و کوچک مجازات حبس تعیین شده است. به نظر می‌رسد این مجازات هدفمند و واقع‌بینانه نباشند و تا حد زیادی افراطی و تقدیس‌کننده نظام مجازات باشند. با رجوع به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، می‌بینیم که قانون‌گذار در همه درجات هشت‌گانه مجازات تعزیری به کیفر حبس اشاره کرده است. سیاست «حبس با درجات هشت‌گانه» در این ماده نشان‌دهنده سلیقه حبس‌پسندانه قانون‌گذار است که بر بیشتر جرائم اعمال می‌شود. قضات در جایگاه مفسران و مجریان قوانین، بیشتر از هرکس دیگری تحت تأثیر این قوانین قرار می‌گیرند و معمولاً سیاست‌های کیفری موجود در متن قوانین را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند (Schmith, 2013: 163).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نظام جایگزین‌های حبس، مدل‌های مقابله با بزهکاری اطفال، نهادهای تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی به چشم می‌خورد. این رویکرد نشان‌دهنده تغییر اندیشه حقوقی ایران از مکاتب کلاسیک و سنتی به مکاتب اثباتی و دفاع اجتماعی نوین است که بر تحرک نظام حقوق کیفری ایران به سوی رویکردهای نوین علوم جنایی و جرم‌شناسی تأکید دارد (نگهدار و پورقهرمانی، ۱۳۹۷: ۱۵).

همسو با نظرات پیشین، از ۱۵ نفر شرکت‌کننده، ۱۳ نفر بر این باور بودند که بیشتر قضات همچنان به منطق اولیه قانون‌گذار پایبندند و در تعیین کیفر حبس برای جرایمی که قانون‌گذار آن‌ها را سزاوار این مجازات می‌داند، تردیدی ندارند. به نظر آن‌ها، قوانین ایران در خصوص سیاست حبس‌زدایی نقص دارد و بسیاری از عناوین مجرمانه بدون ضرورت دارای مجازات حبس هستند. برای نمونه، مشارکت‌کننده «۱۵» در این خصوص گفت: «پرونده‌هایی برای رسیدگی به من ارجاع می‌شوند که واقعاً وقت‌گیرند؛ مثل رانندگی بدون گواهی‌نامه. این پرونده‌ها فرصت بررسی کیفی پرونده‌های مهم را می‌گیرند، در صورتی که قانون‌گذار به راحتی می‌تواند برخی جرائم سبک را از مسیر دادگستری خارج کند». به قول مشارکت‌کننده «۹»: «قانون‌گذار برای جرم ترک نفقه و خیانت‌درامانت، مجازات حبس را در نظر گرفته است. پرسش این است که آیا صدور حکم حبس و فرستادن فرد به زندان، که برای اولین بار مرتکب خیانت‌درامانت شده، سودمند است؟ وقتی قانون حکم حبس را پیش‌بینی کرده است، شاکي هم از قاضی توقع دارد که حکم حبس صادر کند و من هم برای اینکه شاکي مدام جلوی اتاق نیاید، حکم حبس صادر می‌کنم. یا مثلاً متهم به اتهام ترک نفقه به زندان می‌رود، اگر یک‌درصد هم امید به بازگشت به زندگی مشترک وجود داشته باشد، این مجازات حبس اجازه نمی‌دهد». مشارکت‌کننده «۸» که خود از قضات نظارتی هم بود، نظر خود را در قالب خاطره‌ای مطرح کرد: «با شکایت یکی از شکات، پرونده‌ای را از یکی از شعب تجدیدنظر هرزگان مطالبه کردم که برای بزه توهین مجازات شلاق تعیین کرده بود. این در حالی بود که با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات توهین صرفاً جزای نقدی است، اما قاضی تجدیدنظر حتی فرصت نکرده بود یک بار به صورت کامل این قانون را مطالعه کند. یا در پرونده دیگری که برای متهم به اتهام کودک‌آزاری، مجازات بر اساس قانون سابق تعیین شده بود و نه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، با قاضی پرونده تماس گرفتم و موضوع را با وی در میان گذاشتم. ایشان اظهار داشت اصلاً از تصویب این قانون اطلاع نداشته است!» به نظر مشارکت‌کننده «۳» قضات مجازات حبس را بیشتر از سایر مجازات قبول دارند.

وی در این خصوص بیان داشت: «مجازات‌هایی که قضات تعیین می‌کنند، غالباً به شکل حبس است که در بسیاری مواقع عادلانه و منصفانه نیست و با مشکلات جامعه و تعداد زندانیان هم تناسبی ندارد. بسیاری از قضات، به‌ویژه قضات جوان، از نرخ جمعیت زندانیان و مشکلات آن اطلاع زیادی ندارند. به همین دلیل، در صدور احکام حبس زیاده‌روی می‌کنند». از نظر مشارکت‌کننده «۱۰»: «معمولاً قضات هنگام تعیین مجازات به خانواده و متهم خیلی توجه ندارند و قانون‌گذار برای جرایمی حبس تعیین کرده است که می‌توانست نیمی از آن‌ها را به مجازات جایگزین

اختصاص دهد. بنابراین حبس ابزار اصلی محسوب می‌شود و بیشتر قضات هم نگران افزایش تعداد زندانیان و پیامدهای آن نیستند».

شرکت‌کنندگان باور داشتند که تا زمانی که قانون اصلاح نشود و حبس‌زدایی به یک هدف قانونی تبدیل نشود، محاکم حتی اگر بخواهند، نمی‌توانند در مسیر حبس‌زدایی موفق باشند. آن‌ها گفتند که در بندرعباس هم تفاوت خاصی با دیگر مناطق کشور در این خصوص وجود ندارد. دو نفر از شرکت‌کنندگان نظری نسبتاً مخالف داشتند و اظهار داشتند: «این موضوع در افزایش موارد حبس تأثیر دارد، اما همه قضات از ترس قوانین یا به‌خاطر اجبار، به سیاست‌های حبس‌گرا روی نمی‌آورند. در بسیاری مواقع تمایل قضات به حبس حتی بیشتر از قانون‌گذار است. مثلاً در موقعیت‌هایی که قانون‌گذار به قضات اجازه داده است که سیاست‌های حبس‌زدا تعیین کنند، هنوز بسیاری از قضات این کار را نمی‌کنند و به تعیین حبس‌های بی‌رویه ادامه می‌دهند. بنابراین، برای تحلیل معضل افزایش جمعیت زندانیان در کشور و مناطقی چون بندرعباس، باید هم به نگاه سخت‌گیرانه قانون‌گذار و هم به رفتار و انتخاب خود قضات توجه کرد».

۱-۳. استقبال محاکم از تفکر حبس‌گرایانه قانون‌گذار

بدون تردید خود قضات و مردم پذیرفته‌اند که گویی راهی جز ورود همه منازعات جنایی به دادگستری و دخالت قضات در سرنوشت و تدبیر آن‌ها وجود ندارد و برپایی آیین‌های دادرسی کیفری در محاکم در این زمینه قابلیت و اثربخشی قطعی و همیشگی دارد. این در حالی است که تحولات علوم جنایی برخلاف این دیدگاه نشان داده است که ظهور و توسعه نهادهایی مانند قضا‌زدایی و دادرسی مدنی و غیررسمی بسیاری از جرائم، در جوامع و نظام‌های حقوقی گوناگون ثابت کرده‌اند که نهادهای خارج از دادگستری رسمی نیز قادرند به معضل جرم و چاره‌سازی شکاف‌های حادث‌شده میان اصحاب دعاوی و پرونده‌های کیفری به شیوه‌ای بهتر، معقول‌تر و جامعه‌پسندتر رسیدگی کنند. یکی از مقدمات تحقق چنین آرمانی، که خود می‌تواند نقشی تعیین‌کننده و مهم در کاهش جمعیت کیفری و پرهیز از گزینش مجازات حبس در جامعه داشته باشد، تغییر در تفکرات و نگرش‌های حبس‌گرایانه در میان مردم، نهادهای مردمی و اکثریت قضات و مقامات و مراجع تصمیم‌گیر اصلی در بدنه قوه قضائیه است. متأسفانه تاکنون در ایران چهره عملیاتی چندانی به خود نگرفته است و خلق مراجعی چون شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌های صلح هم نمی‌تواند دلیلی بر نفوذ نظام‌مند این نگرش در ساختار سیاست جنایی کلان حاکم بر قوه قضائیه در ایران تلقی شود.

نگرش حبس‌گرایانه قانون‌گذار نیز به تدریج در قضات تأثیر گذاشته و باعث ایجاد بدبینی نسبت

به جرائم و مجرمان شده است، در نتیجه قضات به مجازات سخت‌گیرانه‌ای مانند حبس متوسل می‌شوند. این تأثیرپذیری بیش از دیگر عوامل مؤثر در حبس‌گرایی، جنبهٔ اختیاری ندارد و به نوعی به اجبار قضایی برای قضات تبدیل شده است (Hulsman, 2017: 262).

بر همین اساس، از میان شرکت‌کنندگان تحقیق، به جز یک نفر که باور نداشت ساختار سیاست جنایی ایران تفکرات حبس‌گرایانهٔ افراطی دارد و نظام حقوق کیفری ایران را نسبت به سایر کشورها تساهل‌آمیز می‌دانست، باقی چهارده نفر دیگر بر وجود تفکرات حبس‌گرایانه در میان قانون‌گذار، مجلس و قضات دادگستری تأکید داشتند و آن را یکی از عوامل اصلی افزایش شمار زندانیان می‌دانستند. مشارکت‌کنندهٔ «۱۴» که نمایندهٔ دادرسی انتظامی بود در این خصوص بیان داشت: «با شکایت یکی از مراجعان، پرونده‌ای را از شعبه درخواست کردم. ماجرا این بود که ضابط خاص گزارش داده بود که شخصی به اتهام پول‌شویی احضار و جلب شده و به‌خاطر ناتوانی در تأمین وثیقه به زندان فرستاده شده بود. پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارسال و در دادگاه بدوی محکوم شد، اما در دادگاه تجدیدنظر حکم برائت صادر و متهم بعد از حدود چهار ماه از زندان آزاد شد. تخلف بازپرس و قاضی دادگاه بدوی کاملاً مشهود بود و وقتی با همکاران مربوطه صحبت کردم، گفتند که بر اساس گزارش ضابط خاص عمل کرده‌اند. سؤال این است که چگونه می‌شود چهار ماه با اعتبار و حیثیت افراد بازی کرد، صرفاً به دلیل یک گزارش؟» مشارکت‌کنندهٔ «۱۲» در این خصوص بیان داشت: «پرونده‌ای با کیفرخواست به من ارجاع شد که در دادسرا دلایل به‌صورت غیرقانونی جمع‌آوری شده بود. از یک سو قانون این دلایل را فاقد اعتبار می‌داند و از سوی دیگر وقتی به این دلایل نگاه می‌کنیم، برای محکوم کردن شخص کافی‌اند و من مجبورم متهم را محکوم کنم. بعید می‌دانم قاضی‌ای باشد که رأی به بی‌اعتباری دلیل بدهد.» مشارکت‌کنندهٔ «۱» در این خصوص اظهار داشت: «در پرونده‌ای که ضابطان به‌صورت غیرقانونی دلایل جمع‌آوری کرده بودند، اگرچه متهمان را محکوم کردم، برای ضابطان نیز پرونده تشکیل دادم. از سوی نهادها، حتی همکاران قضایی، با من تماس می‌گرفتند و می‌گفتند ضابطان اظهار کرده‌اند که اگر قرار است با ما این‌گونه برخورد شود، بهتر است کاری انجام ندهیم. من هم دیدم که واقعاً درست می‌گویند و مشکل اصلی متوجه قانون‌گذار است. به هر حال، جرمی کشف شده است و دلایل کافی برای توجه اتهام وجود دارد.»

با بررسی پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان مشخص شد که هنوز بیشتر قضات بر این باورند که حبس به‌واسطهٔ خصلت توان‌گیرانهٔ خود می‌تواند به ارتقای نظم و امنیت در جامعهٔ ایران کمک کند. به‌نظر آنان، خشونت‌گرایی کیفری و توجه بیش از حد به آنچه «هراس اخلاقی عوام و سیاسیون» نامیده می‌شود، در کنار غیرعلمی بودن برخی عناوین مجرمانه، از مصادیق بارز نقص سیاست

جنایی ایران در قبال جرائم مختلف است. سیاست جنایی ایران هنوز شبیه به حقوق کیفری قدیم است و تفکرات سنتی در ایران حاکم است. قانون‌گذار و اغلب قضات فکر می‌کنند با اجرای مجازات شدید مثل حبس می‌توانند جلوی قانون‌شکنی را بگیرند و همچنین برخورد علمی با مقوله‌های پیشگیری از جرم صورت نمی‌گیرد.

وقتی مواد قانون مجازات (تعزیرات) و دیگر قوانین جزایی بررسی می‌شود، این‌گونه تلقی می‌شود که بیشتر جرائم مجازات حبس دارند. مجازات تعیین شده نیز تناسبی با جرم ندارند، چون قانون‌گذار دغدغه تضمین امنیت دارد و بنابراین بیشتر بر حبس‌های طولانی مدت متمرکز شده است. به‌طور کلی، حقوق ایران و محاکم موجود رویکرد سخت‌گیرانه و شدت برخورد را انتخاب کرده‌اند و دغدغه عملی چندان نسبت به معضلی مثل افزایش تعداد زندانیان ندارند (کونانی و همکاران، ب ۱۳۹۹: ۲۳).

۲. کم‌توجهی به مخاطرات ناشی از زندگی در حبس

آسیب‌ها و مشکلات ناشی از حبس‌گرایی افراطی و بی‌رویه آن چنان گسترده است که با بررسی کوتاهی می‌توان به عمق آن‌ها پی برد. اگر قضات حتی یک منطق اقتصادی ساده داشته باشند، به‌راحتی متوجه می‌شوند که زندان و افزایش تعداد زندانیان علاوه بر آنکه از لحاظ اقتصادی بسیار پرهزینه و مشکل‌ساز است، از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز مشکلات فراوانی دارد که باید به آن توجه کرد. بنابراین، ضروری است در منابع آموزشی و دوره‌های کارآموزی قضات، برنامه‌های عملی بازدید از زندان برگزار شود تا آن‌ها از نزدیک با مشکلات زندان آشنا شوند و هنگام تعیین مجازات این واقعیت‌ها را مدنظر قرار دهند. قاضی‌ای که حتی اندکی با فضای زندان و مشکلات آن آشنا باشد، هرگز بی‌رویه حکم حبس صادر نمی‌کند، به‌ویژه در مواجهه با جرائم سبک و مجرمانی که می‌توان با تدابیر اجتماعی و غیرکیفری آنان را اصلاح کرد (Emiliy, 2012: 47).

بر اساس تجربه، هرچه شناخت و ارتباط قضات با زندان‌ها کمتر و محدودتر باشد، احتمال گرایش آن‌ها به تعیین مجازات نامناسب حبس که باعث افزایش بی‌رویه زندانیان می‌شود، بیشتر است. مشارکت‌کننده «۱۰» ضمن تأکید بر آگاه نبودن و اشراف نداشتن کامل قضات کیفری از آنچه در محیط زندان‌ها می‌گذرد، بیان داشت: «هرچند برای ما بازدید از زندان ترتیب داده می‌شود، این بازدیدها هدفمند نیستند. بازدیدها باید به‌گونه‌ای باشند که با هماهنگی قبلی، هر قاضی بتواند همه متهمان خود را ملاقات کند». مشارکت‌کننده شماره «۱۳» پیشنهادی ارائه داد: «پیشنهاد من این است که در دوره‌های کارآموزی، کارآموزان را با محیط زندان آشنا کنند. حتی اگر نتیجه این بازدیدها فقط این باشد که دریابند ظرفیت اسمی زندان‌ها چند برابر ظرفیت واقعی است و زندانیان

چگونه در زندان استراحت می‌کنند، کافی است. چراکه به‌عنوان یک قاضی کیفری، این آسیب‌ها را از نزدیک مشاهده می‌کنند و هنگام صدور حکم حبس با احتیاط بیشتری عمل خواهند کرد». مشارکت‌کننده شماره «۹» گفت: «در بازدید از زندان، محکومی را دیدم که در گوشه‌ای ایستاده بود و وضعیت مناسبی نداشت. از مددکار خواستم پرونده او را بیاورد. طبق پرونده از سال ۱۳۹۴ به‌خاطر دیه ناشی از شکستگی بینی در زندان بود. بسیار نگران‌کننده بود که کسی حدود هشت سال به‌علت جرح عمدی در زندان بماند. فوراً موضوع را با دادستان مطرح کردم و روز بعد با کمک یکی از نیکوکاران، از زندان آزاد شد. آن زمان بود که دریافتم بازدیدهای هدفمند تا چه حد می‌توانند مؤثر باشند».

به‌جز دو نفر از شرکت‌کنندگان، سایرین بر این باور بودند که دوری و فاصله قضات از مرحله اجرای مجازات و فضای زندان‌ها و تجربیات عملی اندک آن‌ها در شناخت واقعیات زندان، در گرایش بیش از حد آن‌ها به مجازات حبس بی‌تأثیر نیست. مخالفان این نظر، معتقد بودند که قضات با محیط زندان‌ها آشنایی دارند و اگر گرایش آن‌ها به صدور حکم حبس مشکل‌ساز شده است، باید ریشه این موضوع را در عوامل دیگری مانند مشکلات مرحله اجرای مجازات جست‌وجو کرد؛ مسائلی که ارتباطی با عملکرد اولیه قضات صادرکننده آرای حبس ندارد.

۳. برداشت شتاب‌زده و غیرعلمی محاکم از نقش مجازات حبس در امر صیانت از نظم و امنیت جامعه

اغلب جوامع این طرز فکر را پذیرفته‌اند که مجازات حبس از جمله تدابیری است که قهراً و لزوماً با حفظ نظم و امنیت جامعه و تضمین حداکثری آن مرتبط است. قطعاً اجرای مجازات می‌تواند امنیت‌آفرین باشد، اما این بدان معنا نیست که لزوماً و در هر شرایطی چنین نتیجه‌ای در پی داشته باشد. حتی گاهی اجرای برخی مجازات ممکن است به اقدامی علیه نظم اجتماعی هم تعبیر شود. بنابراین، تا زمانی که محاکم برداشت و بیش‌مناسب و روش‌مندی از ارتباط کیفر با اقتضائات نظم و امنیت در جامعه نداشته باشند و برای متوازن‌سازی آن‌ها اقدامی نکنند، اجرای مجازات برای جامعه تحت هیچ شرایطی سودمند نخواهد بود.

در حقوق جزایی و مبانی آن یک اصل مسلم وجود دارد و آن این است که قضات در مرحله تعیین کیفر برای جرائم و مجرمان مختلف، باید به‌صورت علمی، اخلاقی و منصفانه احراز کنند، که مجرم استحقاق محاکمه و مجازات دارد و تعیین مجازات برای واکنش به جرم ضروری است یا خیر. این دو مؤلفه از عناصر اصلی برقراری سیاست کیفری عالمانه و عادلانه در جامعه محسوب می‌شوند و هرگونه بی‌توجهی محاکم به آن‌ها نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی و تعیین مجازات نامناسب،

مانند حبس‌های غیر ضروری ندارد؛ مسئله‌ای که خود از عوامل مستقیم و بارز افزایش جمعیت کیفری در تمامی جوامع و نظام‌های حقوقی است. اصل «مجرم مستحق مجازات باشد و اجرای مجازات نیز ضرورت داشته باشد» به همین موضوع اشاره دارد و امروزه در اغلب سیستم‌های حقوقی مترقی اصلی اساسی و مهم به شمار می‌آید و نظریه پردازان گوناگون حقوق جزایی نیز آن را راهکاری عملی برای کاهش جمعیت کیفری در جوامع قلمداد می‌کنند (Macineli, 2015: 71). در موضوع مورد بحث، سیزده نفر از اعضای جمعیت کیفری اظهار داشتند که در ایران با وجود تأکید بر رعایت اصل فردی‌سازی کیفرها، به مسائل مربوط به میزان استحقاق مجرمان مختلف برای تحمل حبس توجهی نمی‌شود و تقریباً همه آن‌ها به‌طور یکسان مجازات و زندانی می‌شوند. به گفته آنان، برخورد با مجرمان در ایران هنوز از بسیاری از کشورهای دیگر سخت‌تر است. تنبیهات شدید و حبس‌های بی‌رویه در مقابل جرائم کوچک نشانه بارز نقص در سیاست جنایی ایران است. آن‌ها بر این باورند که محاکم در ایران، از جمله در بندرعباس، نتوانسته‌اند تعادلی منطقی بین صدور احکام حبس و تلاش برای سیاست حبس‌زدایی و کیفرزدایی و متناسب‌سازی مجازات حبس با متغیرهایی مانند «لزوم و استحقاق» برقرار کنند. بنابراین، لازم است تفکر قضات و محاکم به استحقاق محکومان برای تحمل حبس و معیارهای تشخیص ضرورت این مجازات به‌طور جدی و اساسی بازنگری شود.

۴. کم‌توجهی به سایر اهداف مجازات و بی‌اعتمادی قضات به برنامه‌های غیر کیفری اصلاح و درمان

مجازات علاوه بر اهداف تنبیهی می‌تواند اهداف دیگری مانند اصلاح و بازپروری مجرمان را نیز داشته باشند. این اهداف لزوماً به مجازات کیفری سنتی و کلاسیک محدود نمی‌شوند و می‌توانند شامل تدابیر بازدارنده غیر از حبس نیز باشند. با این حال، در حقوق ایران و بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر، هدف تنبیهی هنوز اصلی‌ترین شاخص در تعیین مجازات است که خود یکی از عوامل افزایش جمعیت زندانیان به شمار می‌آید. به همین دلیل در سال‌های اخیر بر سیاست اصلاح و درمان و استفاده از تدابیر غیر کیفری در واکنش به جرائم تأکید شده است و قضات نیز بیش از گذشته به این مسیر ترغیب شده‌اند، اما هنوز اعتماد چندانی به کارآمدی این تدابیر ندارند. از دهه ۱۹۷۰ تا آغاز هزاره سوم، مخالفان جرم‌شناسی اصلاح‌مدار با ادعای ناکارآمدی، سعی کرده‌اند اندیشه سزاگرایی و عدالت استحقاقی را گسترش دهند. بازگشت به سزاگرایی و تأکید بر شکست اصلاح و درمان، رویکرد اصلی اصول‌گرایان کیفری معاصر است که سعی دارند جرم‌شناسی را جایگزین کنند (کونانی و همکاران، ب ۱۳۹۹: ۸۵).

تمام اعضای جامعه آماری بر این باور بودند که سیاست اصلاح مجرمان باید یکی از اولویت‌های دستگاه قضا و محاکم باشد. اما در مورد میزان اعتقاد قضات به کارایی این تفکر، تفاوت‌هایی وجود دارد. چهار نفر از شرکت‌کنندگان بی‌اعتمادی قضات به سیاست‌های اصلاحی را قبول نداشتند، اما سایرین به وجود چنین ذهنیتی در کشور و بین قضات حوزه قضایی بندرعباس گواهی دادند. به نظر آنان اگر این رویکرد وجود داشت، نرخ بازداشت‌های موقت باید بسیار پایین‌تر می‌بود، در حالی که آمارهای موجود خلاف آن را نشان می‌دهند. مثلاً، مشارکت‌کننده شماره «۱۴» گفت: «وقتی برای یکی از محکومان، حکم الزام به خدمات عمومی در شهرداری صادر کردم، شهردار او را نپذیرفت. این ناهماهنگی باعث شد، در پرونده بعدی مجازات حبس را انتخاب کنم». همچنین مشارکت‌کننده شماره «۵» نیز بیان کرد: «در پرونده‌ای، شخصی به اتهام نگهداری مواد مخدر، حکم به الزام به خدمات عمومی داشت، اما بعد از پنج ماه گزارش شد که او شیرآلات اداره را سرقت کرده است. بنابراین، در پرونده‌های دیگر حکم حبس صادر کردم تا جامعه از دست این افراد در امان باشد».

۵. ابتلای قضات کیفری به منطق حبس گزینی عوام‌گرا

قانون‌گذاران، مقامات قضایی، اصحاب پرونده و مردم عادی، دادرسی کیفری را زمانی مطلوب و قابل قبول می‌دانند که انتظاراتشان از مجازات تأمین شود و در نهایت مجرمان به مجازات محکوم شوند (امیری، ۱۳۹۶: ۵۲). اغلب مردم نتیجه دادرسی را با تعیین و اجرای مجازات، حتی اگر بسیار شدید باشد، می‌سنجند. بنابراین، این خود یکی از عوامل افزایش جمعیت زندانیان محسوب می‌شود. به این وضعیت، سیاست حبس‌مداری عوام‌گرایانه گفته می‌شود (Stones, 2018: 90).

عوام‌گرایی در سیاست جنایی به معنای ساده‌انگاری مسائل فنی و پیچیده ملی و بین‌المللی و نادیده گرفتن نظرهای کارشناسان و نخبگان است که هر نوع بی‌توجهی به این مسائل می‌تواند باعث افزایش جمعیت زندانیان در جامعه شود (احمدی، ۱۳۹۷: ۷۷).

منتقدان عوام‌گرایی عقیده دارند که مسئولان نظام سیاسی در ایران به‌مانند اغلب جوامع دیگر به اهمیت و قدرت اثرگذاری ترس از جرم واقف‌اند و از آن در پیشبرد اهداف خود بسیار بهره برده‌اند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

در کشورهای غربی، در چهار دهه گذشته، سیاست‌گذاری و کنترل جرم به مسئله‌ای عمومی و همگانی تبدیل شده و از دغدغه دستگاه عدالت کیفری، دادگستری و پلیس فراتر رفته است (میرمحمدصادقی و قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۲). شکل‌گیری افکار عمومی در مورد بزهکاری باعث به وجود آمدن مطالبات امنیتی می‌شود که دولت‌مردان عوام‌گرا با وضع قوانین کیفری جدید یا اجرای شدید مقررات موجود به آن پاسخ می‌دهند. این شدت عمل، بیشتر اثر مسکن دارد و

بازدارندگی واقعی ندارد، اما به مردم نشان می‌دهد که دولت مردان بیدارند و با مجرمان برخورد می‌کنند (نوری، ۱۳۹۷: ۷۲).

موازین و آموزه‌های حقوق بشر به معیاری برای تعدیل و پالایش سیاست‌های جنایی تبدیل شده و در تکامل راهبردهای آن‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند (نوربها، ۱۳۷۸: ۴۵). آموزه‌های حقوق بشری با تأکید بر آزادی‌های فردی و احترام به حریم خصوصی، منطق‌سازش‌گرانه‌ای را به سیاست‌های جنایی تحمیل کرده و باعث تعدیل راهبردهای حبس‌مدار شده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۷۵). به‌نظر اکثریت اعضای جامعه آماری (سبزه نفر)، اندیشه‌های عوام‌گرایانه و تأثیر افکار عمومی در قضاوت باعث افزایش جمعیت کیفری می‌شود. در مقابل، دو نفر دیگر بر این باورند که محدودیت‌های قانونی موجود در ایران مانع از تأثیر سریع افکار عمومی در قضاوت می‌شود.

مشارکت‌کننده «۴» همسو با نظر اکثریت مصاحبه‌شوندگان، بیان داشت: «فرهنگ مجازات جایگزین حبس بین مردم جا نیفتاده است و بزه‌دیدگان از این احکام ناراضی‌اند. برای جلوگیری از اتهام جانب‌داری از بزه‌کار، با مجرمان خشن و خطرناک با قاطعیت برخورد می‌کنم». از نظر مشارکت‌کننده «۷»: «بیشتر قضاوت‌نگران‌اند که با استفاده زیاد از جایگزین‌های حبس، افکار عمومی آن‌ها را سهل‌انگار بخواند و در نتیجه اعتبارشان نزد مردم و حتی بزه‌کاران کاهش یابد». مشارکت‌کننده «۵» در این خصوص اظهار داشت: «وقتی جرمی رخ می‌دهد، رسانه‌ها اغلب اطلاعات نادرستی منتشر می‌کنند و همین باعث می‌شود مردم از قضاوت انتظار برخورد قاطع داشته باشند. بنابراین، به دلیل این جو حاکم، گزینه حبس را انتخاب می‌کنم». مشارکت‌کننده «۴» با تأکید بر تأثیر عوام‌گرایی در اتخاذ تصمیم قضاوت کیفری، اظهار داشت: «با توسعه فضای مجازی، نزاع‌های دسته‌جمعی سریعاً فیلم‌برداری و منتشر می‌شوند. این انتشار گسترده باعث می‌شود تا به جای صلح و سازش، برای ارباب دیگران با مرتکبان با اشد مجازات برخورد شود». به قول مشارکت‌کننده «۶»: «پس از فوت خانم مهسا امینی و اعتراض‌های مردمی، شاهد بودم که حاکمیت انتظار تسریع در رسیدگی به متهمان اخلال در نظم را داشت. در آن شرایط، صرفاً مجازات حبس را انتخاب می‌کردم، اما در شرایط عادی، برای اکثر جرائم مجازات غیر از حبس را برمی‌گزیدم». بر اساس شواهد در سال‌های اخیر، رویکرد عوام‌گرایانه در محاکم ایران شدت گرفته و نگرش حبس‌گرا و مجازات‌مدار قضاوت بیش از پیش با دیدگاه‌های جامعه همسو شده است.

نتیجه

حقایق موجود نشان می‌دهد که در حقوق جزای ایران، زمینه استفاده از تدابیر حبس‌زدا و مجازات جایگزین هنوز فراهم نشده و استفاده از آن‌ها بسیار اندک و سطحی بوده است. همچنین، توجه

به پرونده شخصیت در مراحل قانون‌گذاری و اجرایی بسیار کم‌رنگ است. بر اساس تحلیل آرای قضایی، قضات کمتر به استفاده از مجازات جایگزین حبس روی می‌آورند و حتی در میان انواع جایگزین‌های حبس، بیشتر به جزای نقدی گرایش دارند. این در حالی است که اغلب کیفرشناسان و منتقدان بر این باورند که نگرش‌ها و رویه‌های قانونی و قضایی باید با شتاب بیشتری به سمت تدابیر جایگزین مانند سیاست‌های دوره مراقبت، خدمات عام‌المنفعه و جزای نقدی روزانه حرکت کند. این موضوع به علمی کردن چرخه دادرسی‌ها، قضات و محاکم نیاز دارد. یکی از مظاهر این علمی کردن، ارائه آموزش‌های ویژه و مستمر به قضات در خصوص قابلیت‌ها و فرایندهای اجرایی تدابیر جایگزین و حبس زدا است که اکنون در نظام حقوقی و دادگستری ایران به صورت جدی دنبال نمی‌شود. بنابراین، اجرای تدابیر حبس‌زدایانه و جایگزین حبس با موانع و چالش‌های نظری و عملی بسیاری مواجه است که بدون رفع آن‌ها نمی‌توان انتظار داشت چنین سیاستی حتی به صورت حداقلی در جامعه اعمال شود. نتیجه قابل انتظار این وقایع، افزایش نرخ کلی جمعیت کیفری در کشور است. برخی از موانع ریشه در ساختار دولتی و حقوقی ایران و برخی دیگر جنبه ارزشی دارند. گاهی ملاحظات جهان‌بینی مانع از اعمال توصیه‌های جرم‌شناختی برای توسعه سیاست‌های ارفاقی و جایگزین می‌شوند. بنابراین، این مشکلات محدود به مسئله خاصی نیستند و به منزله پدیده‌ای فراگیر قابل تأمل هستند.

طبق نتایج حاصل از مصاحبه صورت‌گرفته با قضات دادگستری بندرعباس، چند عامل از مهم‌ترین عوامل قضایی و تأثیرگذار در افزایش جمعیت کیفری زندان بندرعباس‌اند: کم‌توجهی به لزوم تناسب حبس با عدالت متکی بر اصل کمینه‌گرایی کیفری، تأثیرپذیری افراطی از منطق حبس‌گزینی‌های تقنینی اولیه و بها دادن اندک به اصل اختیارات قضایی، ناآشنایی برخی از قضات با شیوه‌های قضاوت خارج از محاکم، کم‌توجهی به مخاطرات ناشی از زندگی در حبس، برداشت شتاب‌زده و غیرعلمی محاکم از نقش مجازات حبس در حفظ نظم و امنیت جامعه، غفلت از سایر اهداف مجازات، بی‌اعتمادی قضات نسبت به برنامه‌های غیرکیفری اصلاح و درمان و گرایش محاکم به رویکرد حبس‌گزینی عوام‌گرا.

با توجه به یافته‌های تحقیق، عملکرد قضات محاکم دادگستری نقش مهمی در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها دارد. تأثیرپذیری از تفکرات سنتی، فشارهای اجتماعی و سیاسی و رویکرد سخت‌گیرانه به اجرای حبس از عوامل اصلی این افزایش‌اند. در نتیجه، تغییر سیاست‌ها و استفاده از مجازات جایگزین حبس می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. این تغییرات به آموزش قضات، اصلاح قوانین و افزایش برنامه‌های اصلاح و درمان غیرکیفری نیاز دارند.

پیشنهادها

۱. آموزش‌های جرم‌شناختی به قضات

برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای قضات در زمینه جرم‌شناسی و روان‌شناسی جنایی می‌تواند نگرش قضات را به مجرمان و مجازات تغییر دهد. این آموزش‌ها می‌تواند شامل مباحثی مانند علل و عوامل جرم، تأثیرات اجتماعی و روانی مجازات حبس و روش‌های جایگزین مجازات باشند.

۲. تقویت همکاری بین نهادهای قضایی و اجتماعی

افزایش همکاری و هماهنگی بین نهادهای قضایی، اجتماعی و بهداشتی می‌تواند به ارائه خدمات جامع‌تر و مؤثرتر به مجرمان و کاهش جمعیت زندان‌ها کمک کند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، برنامه‌های مشترک و حمایت‌های چندجانبه باشند.

۳. افزایش همکاری‌های بین‌المللی

تبادل تجربیات و همکاری با کشورهای دیگر در زمینه کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها امکان بهره‌گیری از روش‌ها و سیاست‌های موفق را فراهم می‌کند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل برگزاری کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی مشترک باشند.

۴. توسعه برنامه‌های آموزشی برای پلیس و نیروهای انتظامی

آموزش‌های تخصصی به پلیس و نیروهای انتظامی در زمینه مدیریت بحران، تعامل با مجرمان و استفاده از روش‌های جایگزین حبس می‌تواند به کاهش دستگیری‌ها و در نتیجه کاهش جمعیت زندان‌ها منجر شود.

۵. توسعه برنامه‌های آموزشی در زندان‌ها

ارائه برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای در زندان‌ها می‌تواند مهارت‌ها و توانمندی‌های زندانیان را افزایش دهد و آن‌ها را برای بازگشت مؤثر به جامعه آماده کند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دوره‌های تحصیلی و کارگاه‌های مهارت زندگی باشند.

منابع

۱. احمدی، انور. (۱۳۹۷). سیاست‌های عوام‌گرایانه در نظام عدالت کیفری ایران (از دادرسی تا اجرا)، رساله جهت اخذ مدرک دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.
۲. امیری، سحر. (۱۳۹۶). مبانی کیفرگذاری در قلمرو جرائم غیر عمدی، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. حاجی تبار فیروزجانی، حسن. (۱۳۹۱). بسترهای اثربخشی مجازات اجتماعی، در دایره‌المعارف علوم جنایی، تهران: میزان.
۴. شاطری دستجردی، سعید. (۱۴۰۰). سیاست تقنینی ایران در اعمال ارفاقات کیفری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شمال.
۵. کونانی، سلمان؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ صفاری، علی و اردبیلی، محمدعلی. (الف ۱۳۹۹). الف. تحلیلی جامعه‌مدار از سیاست اصلاح و درمان (زن و مرد) و روش‌های آن، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، شماره ۲، دوره ۱۱، مسلسل ۴۲، صص ۲۲۷-۲۵۵.
۶. کونانی، سلمان؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ اردبیلی، محمدعلی و آشوری، محمد. (ب ۱۳۹۹). ب. ارزیابی انتقادی نظریه شکست اصلاح و درمان، مجله تعالی حقوق، دوره ۶، شماره ۴، صص ۸۵-۸۶.
۷. میرمحمدصادقی، حسین و قدیری بهرام‌آبادی، رشید. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرائم تروریست، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم، ص ۲۲.
۸. نگهدار، ایرج و پورقهرمانی، بابک. (۱۳۹۷). ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۲۵۵-۲۲۷.
۹. نوربها، رضا. (۱۳۷۸). سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶.
۱۰. نوری، حسین. (۱۳۹۷). بازتاب نظریه ریسک جرم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی.
۱۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۹۵). زندان‌زدایی و حبس‌زدایی، گزیده بیانات، تهران: میزان.
12. Emiliy, F. (2012). **Prison and New Criminal Opinion**, Second edition, New York: Polity press, p.47.
13. Hulsman, G. W. (2017). **Punishment in Critical Criminology**, first edition, London: Sage, p.262.
14. Macineli, M. W. (2015). **The Philosophy of Criminal Law**, 7th edition, Oxford: oxford university press, p.71.
15. Murphy, Raymond. 2019. **English Grammar in Use: A Self-Study Reference and Practice Book for Intermediate Learners of English**. 5th ed. Cambridge: University Press, p.35.
16. Rozenberg, H. (2020). **Crime and Social Punishment in American legal system**, New York: Hamilton press, p. 319.
17. Schmith, L. (2013). **Criminal Justice: Issues and Scope**, Second edition, Oxford university press, p.163.
18. Stefan, A.M. (2009). **Prison in 21 Century: Changes and Challenge**, First edition, New York: polity press, p.84.
19. Stones, J. (2018). **Crime and Criminal Policy: An Critical Introduction**, 5th edition, Routledge Publication, p.90.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کننده‌ها

مصاحبه‌شونده‌ها	سن	میزان تحصیلات	رشته	استان محل تولد	سابقه قضایی
مشارکت‌کننده ۱	۴۸ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	فارس	نه سال و شش ماه
مشارکت‌کننده ۲	۳۵ سال	کارشناسی ارشد	حقوق خصوصی	تهران	شش سال و هشت ماه
مشارکت‌کننده ۳	۴۹ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	یزد	یازده سال و دو ماه
مشارکت‌کننده ۴	۴۷ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	بوشهر	شانزده سال و دو ماه
مشارکت‌کننده ۵	۳۶ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	اصفهان	ده سال و شش ماه
مشارکت‌کننده ۶	۶۲ سال	کارشناسی ارشد	فقه و مبانی حقوق	کرمان	بیست و شش سال
مشارکت‌کننده ۷	۴۱ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	فارس	چهارده سال و پنج ماه
مشارکت‌کننده ۸	۳۱ سال	کارشناسی ارشد	الهیات و معارف	فارس	پنج سال و شش ماه
مشارکت‌کننده ۹	۳۴ سال	حوزوی سطح دو	فقه و اصول	کرمان	پنج سال و پنج ماه
مشارکت‌کننده ۱۰	۲۸ سال	لیسانس	حقوق	مازندران	دو سال و هفت ماه
مشارکت‌کننده ۱۱	۳۶ سال	حوزوی سطح سه	فقه و اصول	قم	چهار سال و شش ماه
مشارکت‌کننده ۱۲	۳۲ سال	لیسانس	حقوق	کرمان	دو سال و دو ماه
مشارکت‌کننده ۱۳	۳۸ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	تهران	هشت سال و چهار ماه
مشارکت‌کننده ۱۴	۳۸ سال	حوزوی سطح دو	فقه و اصول	فارس	چهار سال و سه ماه
مشارکت‌کننده ۱۵	۳۷ سال	کارشناسی ارشد	حقوق جزا	خراسان رضوی	دو سال و پنج ماه